

بررسی احکام شهرسازی با رویکرد

کاربری مسکونی*

مریم وفادار نصرالله‌زاده**

چکیده

الزامات نظام برنامه‌ریزی و طراحی کاربری‌ها در شهرسازی می‌تواند تابع احکام و قواعد فقهی باشد. از آنجا که حوزه شهرسازی وسیع بوده و تحقیق گسترده‌ای را می‌طلبد، در این پژوهش، فقط به حوزه کاربری یعنی تعیین نحوه استفاده از زمین در حوزه کاربری مسکونی پرداخته شده است. در این راستا علاوه بر بهره‌مندی از آیات قرآن، از روایات و سنت پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نیز بهره گرفته شده است. جستار حاضر می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که آیا احکام فقهی از بُعد برنامه‌ریزی کاربری مسکونی بر شهرسازی تأثیری دارد؟ میزان و محل استقرار کاربری مسکونی از جهت سازگاری و وابستگی و ظرفیت می‌تواند تحت تأثیر احکام فقهی شکل بگیرد. همچنین تطابق با ویژگی‌های اجتماعی فضای شهری، افزایش یافته و بر این اساس سطح تعاملات اجتماعی که ناشی از باورهای دینی شهروندان است، ارتقاء یابد. در شهری که بر اساس احکام فقهی برپا شود ایجاد نگرشی صحیح و رویکردی جدید به شهرسازی حاصل شده و نیز توسعه و نشر قوانین شهری با توجه به دستورات دین مبین اسلام انجام می‌گیرد. در آن صورت، شهروندان می‌توانند واجبات خود را به راحتی انجام و از محرمات دوری کنند.

کلید واژه‌ها: احکام فقهی، شهر، شهرسازی، کاربری مسکونی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۰۷.

** هیئت علمی گروه فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه / vafadarm@gmail.com



مقدمه

از آنجا که خداوند انسان را چنان آفریده است که ناگزیر از همزیستی با دیگری می‌باشد، این همزیستی موجب تشکیل اجتماعات متعدد و به دنبال آن شکل‌گیری شهر و روستاها می‌شود. در سایه این زندگی جمعی، ارتباطات افزایش و نیاز به قوانین و احکام نمود می‌یابد.

امروزه فقه، رسالتی نوین یافته و علاوه بر پاسخگویی به نیازهای فردی، درصد پاسخگویی به نیازهای حکومتی است. حاکمیت برای اینکه بخواهد اعمال حاکمیت کند، باید به طراحی و نظام‌سازی بپردازد و وارد نظام‌سازی در نظامات مختلف موجود شود. با طراحی فقه‌های مضاف می‌توان نظام‌سازی کرد و با این نظام‌سازی می‌توان نظام کلان اسلامی را شکل داد. فقه شهرسازی از جمله فقه‌های مضاف است که در فقه نظام عمران قرار می‌گیرد.

از آنجا که احکام و قوانین در شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دخالت دارد، حتی شکل ظاهری شهرها هم می‌تواند متأثر از احکام و قوانین اسلامی باشد، لذا برای تدوین الگوی شهرسازی لازم است که از حوزه‌های اثرگذار، مانند احکام و قواعد فقهی و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی و طراحی شهری نهایت بهره‌برداری را نمود. در هر شهر و عمارتی، کاربری‌های مختلفی وجود دارند که هرکدام به طور مستقل و نسبت به سایر کاربری‌ها هویت و ویژگی‌های خاص خود را طلب می‌نماید. از کاربری‌های شهر می‌توان به مسکن، بازارها، محیط آموزشی، اماکن مذهبی و بیمارستان‌ها و فضای سبز اشاره کرد که احکام و قواعد فقهی، این فضاها را پوشش خواهد داد.

به رغم نیاز انسان به ایفای نقش فقه در تمام ابعاد زندگی و رونق چشمگیر آن در محیط زندگی مسلمانان، تاکنون پژوهشی فقهی در کاربری مسکونی صورت نگرفته است، چنانچه کتاب هفت جلدی فقه مدیریت شهری در جلد چهارم که در حوزه عمران و شهرسازی است، به احکام فقهی در رابطه با عوارض ساختمان و تغییر کاربری و توسعه، معماری مساجد و علائم ترافیکی پرداخته است.

این تحقیق که به روش تحلیلی، توصیفی از نوع کاربردی انجام شده است، پس از بیان مفاهیم و بررسی‌های مدقانه در منابع، آیات و روایات مرتبط با بحث، انتخاب و بر اساس تفاسیر و اصول و قواعد فقهی، نکات مرتبط با احکام کاربری مسکونی استخراج

و تحلیل محتوا شده و بیان می‌دارد که میزان و محل استقرار کاربرهای مسکونی از جهت سازگاری و وابستگی و ظرفیت می‌تواند تحت تأثیر احکام فقهی قرار گیرد.

۱. مفاهیم

۱.۱. حکم شرعی

واژه «فقه» در لغت به معنای، فهم عمیق و دقیق و در اصطلاح، علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی است. احکام شرعی نیز مجموعه قوانین و مقرراتی است که شارع مقدس، برای اصلاح امور معاش و معاد مردم و جامعه تشریح کرده است. (شاهرودی، ۱۳۹۵: ۴۲)

شهید صدر تعریف روشنی را برای حکم شرعی ارائه داده است:

حکم شرعی، حکم تشریحی که صادر می‌شود از خداوند برای تنظیم زندگی انسان، چه به افعال مکلف - مثل جزئیت رکوع - و چه به ذات مکلف - مثل زوجیت - و چه به اشیاء خارجیه - مثل ملکیت - که داخل در حیات انسان است تعلق گیرد و خطابات شرعی در کتاب و سنت، آشکارکننده حکم و کاشف از آن است و آن به تنهایی حکم شرعی نیست. (صدر، ۱۴۱۲ق: ۲۳)

۱.۲. کاربری زمین

کاربری زمین شهری در واقع طرحی است برای دستیابی به اهداف مهم فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی که از طریق تصمیمات دولتی و خصوصی و سرمایه‌گذاری‌ها می‌تواند به عنوان یک عامل قدرتمند بر روی نرخ رشد، ویژگی‌ها، کیفیت و الگوی محیط فیزیکی شهر تأثیرگذار باشد. (یکانی فرد، ۱۳۸۲: ۱۸) کاربری‌ها متفاوت‌اند ولی در این نوشتار به کاربری مسکونی پرداخته خواهد شد. کاربری مسکونی، در مورد بنایی صدق می‌کند که برای سکونت است و افرادی در آن زندگی می‌کنند و یا درباره زمینی است که این پتانسیل را دارد.

۲. احکام کاربری مسکونی

اساس تشکیل جامعه و اجتماع از خانه شروع شده و بیشتر مسائل اجتماعی به یکجانشینی و سکونت در یک محل مربوط می‌شود. اسلام به این پدیده نظر ویژه‌ای





دارد و برای رفع مشکل مسکن و انتخاب محل سکونت و حتی کیفیت ساخت آن و بررسی محیط و جوانب آن برنامه‌های ارزنده‌ای دارد.

بر این اساس، به کتاب و سنت اهل بیت علیهم‌السلام رجوع شده و آیات و روایات مرتبط تحلیل محتوا گردیده و بدین ترتیب مبانی فقهی کاربری مسکونی استخراج شده است تا متخصصان امر، محل سکونت را طبق معیارهای شریعت پایه‌گذاری کنند. در این راستا ابتدا حکم اولیه آبادانی زمین به جهت اهمیت آن در نزد شارع مقدس صرف نظر از کاربری‌های مختلف، مورد بررسی قرار گرفته و سپس به طور خاص به احکام کاربری مسکونی پرداخته خواهد شد.

۲. ۱. حکم اولیه آبادانی زمین

در قرآن کریم و کلام پیشوایان دینی اهمیت به آبادانی زمین مشاهده می‌گردد. چنانچه در سوره هود آمده است: (وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ). (هود: ۶۱)

از آنجا که «استعمار» از ریشه «عمر» به معنای قادر ساختن بر عمارت زمین است، «علامه طباطبایی» در تفسیر المیزان این آیه را به این ترتیب تبیین فرمودند که:

کلمه استعمار به معنای طلب عمارت است به این معنی که از انسانی بخواهی زمین را آباد کند به طوری که آماده بهره‌برداری شود، بهره‌ای که از آن زمین توقع می‌رود. مثلاً خانه خراب و غیر قابل سکونت را طوری کنی که قابل سکونت شود... (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۴۶۱)

برخی از فقها به استناد عبارت «اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» آیه را دال بر حکم فقهی وجوب، جواز یا استحباب عمارت و آبادانی زمین دانسته‌اند.

برخی عبارت مذکور را دلیل بر وجوب کفایی آبادانی زمین دانسته است:

وَمَا يَدُلُّ عَلَى مَا ذَكَرْنَاهُ مِنَ الْوَجوبِ الْكفَائِي لِلْعِمَارَةِ وَالْإِحْيَاءِ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾. (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ش ۴۶: ۱۰۶)

برخی نیز به استناد آن عبارت، حکم به استحباب عمران زمین کرده‌اند:



احیای زمین های موات به دلیل نص و اجماع و سیره عملیه به طور کلی جایز، بلکه مستحب مؤکد می باشد و به دلیل قول خداوند متعال که در سوره هود فرموده است: (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا)؛ زیرا مستفاد از آن، عمران و آبادانی زمین است که مطلوب خداوند متعال است. (نجف آبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۴:

(۱۴۸)

بر این اساس با توجه به معنای عمارت، تغییر دادن زمین باید مناسب بهره برداری خاص آن و به معنای عام آن آباد کردنی که متوقع از زمین است صورت گیرد، که اگر متیقن از حکم را در نظر بگیریم، بر جواز آن حکم می شود.

ضمن اینکه در فقه قاعده ای به نام احیای موات، به معنای آباد کردن زمین های موات وجود دارد که برگرفته از حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرمودند: «موات آن زمین معطلی است که انتفاعی از آن برده نمی شود».

و فرمودند: «کسی که زمین مواتی را زنده کند از آن اوست».^۲

چنانچه امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ در توضیح موات عارضی، بیان می دارند:

این قسمی از انفال است و اینکه احیای آن جایز است و احیاکننده مالک آن است، مانند زمین موات بالأصل است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۳: ۳۴۵)

بر این اساس اهمیت اصلاح و آبادانی شهرهایی که امروزه موجود است، مشخص می گردد، زیرا عمارت زمین مصداقی از احیای موات و کاربری های مسکونی مصداقی از عمارت زمین می باشند.

۲.۲. جایگاه مطلوب سکونت

ایجاد فکر بنا در بشر که خانه را به کیفیت خاص برای خود اتخاذ نماید از جانب الهی بوده است و آلا ابتدا صحراگرد و در کوه و غار منزل داشته است. (حسینی شاه عبدالعظیمی،

۱۳۶۳، ج ۷: ۲۵۴)

قرآن مسکن را محل آرامش می خواند و می فرماید: (وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا...). (نحل: ۸۰) به این معنا که خدا بعضی از بیوت شما را برای شما مایه سکونت

۱. إحياء الموات جائز إجمالاً بالنص و الإجماع و السيرة العملية، بل هو مستحب مرغّب فيه... و لقوله تعالى في سورة هود: (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا) إذ يستفاد منه أن عمران الأرض مطلوب له تعالى.

۲. من احیی ارضا مواتاً فهو له. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۳۲۷)



قرارداد که در آن ساکن شوید، زیرا بعضی از بیوت قابل سکونت نیست، مانند انبار هیزم، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۵۵) لذا یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها در این زمینه، توجه به امنیت مسکن است. مراد از امنیت و آرامش در ساخت‌وساز شهر و مسکن، امنیت از سیل و زلزله و ریزش ساختمان و نیز خودداری از ساخت مسکن در مکان‌هایی که آلاینده‌های غیرمجاز دارند یا در مکان‌های پر سروصدا از جمله هم‌جواری با کارخانه‌ها و فرودگاه و بازارهای آهنگری و به‌طور کلی هر آنچه با آرامش در تضاد است، می‌باشد.

در آیه ۵۰ سوره مؤمنون خدای متعال درباره مریم عَلَيْهَا و عیسی عَلَيْهِ می‌فرماید: ﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ...﴾^۱

با توجه به معنی «ربوه» که به معنای زمین بلند، تپه و برآمدگی خاک می‌باشد، بهتر است زمینی که برای ساختمان‌سازی استفاده می‌شود در سرازیری و زمین پست نباشد، زیرا آب‌های باران از آن سرازیر شده، در آن می‌ماند و رهایی از گنداب‌ها و پساب‌ها در آن سخت می‌شود و با بهداشت محیط سازگاری نخواهد داشت.

در همین راستا روایاتی نیز وارد شده است. روایتی از امام علی عَلَيْهِ است که فرمود: «و خانه را برکتی است و برکت آن، مناسب بودن جای آن است و بزرگی مساحتش»^۲.

از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است: «اگر بر آن شدی تا درجایی منزل گزینی، از قطعه‌های زمین، آن را برگزین که زمین نرم و حاصلخیز، آب و رنگی خوش‌تر، خاکی نرم‌تر و گیاهی فراوان‌تر داشته باشد»^۳.

از طرفی از خطبه ۱۹۲ نهج‌البلاغه می‌توان برترین سرزمین برای سکونت را از کلام حضرت امیر عَلَيْهِ به دست آورد، حضرت می‌فرماید:

اگر خداوند خانه محترم‌ش و مکان‌های انجام مراسم حج را در میان باغ‌ها و نهرها و سرزمین‌های سبز و هموار و پر درخت و میوه، مناطقی آباد و دارای خانه‌ها و کاخ‌های

۱. و ما فرزند مریم [عیسی] و مادرش را آیت و نشانه‌ای قرار دادیم و آن دورا در سرزمین بلندی که جای زیست و [دارای] آب زلال بوده جای دادیم. (مؤمنون: ۵۰)

۲. «وَإِنَّ لِلدَّارِ بَرَكَهَ وَبَرَكَتَهَا جُودَةُ مَوْضِعِهَا وَ سَعَةُ سَاحَتِهَا». (طبرسی، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۱۵۴)

۳. «فَإِذَا أَرَدْتَ التَّرْوَلَ فِي مَوْضِعٍ فَاخْتَرِ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ أَحْسَنَهَا لَوْنًا وَ أَلْيَنَهَا تُرْبَةً وَ أَكْثَرَهَا عُشْبًا». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۲۶۵)

بسیار و آبادی‌های به هم پیوسته، در میان گندمزارها و باغات خرم و پر از گل و گیاه، دارای مناظری زیبا و پر آب، در وسط باغستانی شادی‌آفرین و جاده‌های آباد قرار می‌داد، به همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش آن نیز سبک‌تر می‌شد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲: ۳۹۰-۳۸۸)

طبق مفهوم کلام حضرت، می‌توان اوصاف آن را برای بهترین محل سکونت استفاده کرد:

میان باغستان‌ها و جویبارها باشد، هموار و مسطح باشد، پر دار و درخت باشد، پر از عمارت باشد، باغ‌های سرسبز تازه، نیز گندمزارها آن را در بر گرفته باشد، آبی زلال و چشمه‌های جاری و جوشان داشته باشد، زمین‌های پر گیاه گرداگرد آن را گرفته باشد و راه‌هایی آباد داشته باشد. (عاملی، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۱)

البته روشن می‌شود که جایگاه مطلوب برای سکونت می‌تواند از ویژگی‌های فوق بهره‌مند باشد، ولی ایجاد چنین شرایطی امروزه در همه جا مقدور نیست؛ در این صورت مدیران شهری با ایجاد چنین فضایی در اطراف محل‌های سکونت می‌توانند محیط مطبوع و همراه با آرامش را برای شهروندان ایجاد نمایند.

۳.۲. نیاز به نظارت در ساخت و ساز

قرآن چندین ناظر بر کارهای انسان معرفی کرده است که همه از کار او آگاه‌اند. این ناظران عبارت‌اند از: خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام (توبه: ۱۰۵)، فرشتگان (انفطار: ۱۰ و ۱۱)، زمین (زلزله: ۴)، زمان و اعضای بدن (یس: ۶۵). از طرف دیگر بزرگ‌ترین آیه قرآن درباره دقت در تنظیم اسناد و شاهد گرفتن بر آن سند، است. (بقره: ۲۸۲)

حضرت علی علیه السلام در بسیاری از نامه‌های خویش خطاب به فرمانداران خود می‌فرماید: حساب خود را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند مهم‌تر از حسابرسی مردم است. (نهج البلاغه، نامه ۴۰)

لذا به نظر می‌رسد اگر بر اعمال ما شاهد و گواهی، گمارده شده است و اگر حاکم حسابرس ماست و اگر تنظیم یک سند تجاری، نیازمند به شاهد است، ساخت‌وساز شهر و مسکن که یا ثروت ملی و بیت‌المال است و یا حق اشخاص حقیقی، به طریق اولی، به ناظر نیازمند است (ر.ک: قرائتی، ۱۳۹۳: ۱۱۷) و اگر مهندس ناظر، خدا را گواه بر اعمال





خویش دانسته و حسابرس خویش را حاکم، در این صورت در کار خویش متعهد و صادق بوده و به کار خویش فقط به جهت تأمین مالی، نمی نگرد.

۲.۴. دقت در مقاومسازی مسکن

در قرآن کریم در داستان ذوالقرنین آمده است، گروهی به وی گفتند: «آیا اگر ما مخارج آن را به عهده گیریم سدی میان ما و آن‌ها می‌بندی؟» ذوالقرنین به خواسته آن‌ها پاسخ مثبت داد و گفت: ﴿قَالَ مَا مَكْنَىٰ فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا﴾. (کهف: ۹۵)، «فَاعِينُونِي بِقُوَّةٍ»، به این معناست که به وسیله مردانی که به کار ساختمان وارد باشند و نیز با وسایل و ابزار به من کمک کنید و «ردما» حصار محکم و بزرگ‌تر از سد است تا بین شما و آن‌ها بارویی محکمی ایجاد کنیم. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۸) آنچه حائز اهمیت است، استحکام این سد می‌باشد. ذوالقرنین در پایان کار، استحکام این سد را این‌گونه بیان می‌کند: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءً﴾.^۱

بنابراین محکم‌کاری را می‌توان در کار ذوالقرنین مشاهده کرد به طوری که سدی ساخت که تا آستانه قیامت پابرجاست. اما امروزه کم‌گذاشتن مصالح و عدم رعایت اصول مهندسی در ساختمان‌سازی یکی از موضوعات مهمی است که به آن بی‌توجهی می‌شود، درحالی‌که در احادیث هم به آن پرداخته شده است.

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر که ساختمانی بسازد و از آن کم بگذارد، اجری ندارد.»^۲ کم‌گذاشتن در ساخت‌وساز، با صرفه‌جویی در مصالح ساختمانی، استفاده از قطعات و مصالح نامرغوب و غیر مقاوم و مانند آن تحقق می‌یابد.

و همچنین علیه السلام می‌فرماید: کسی که متولی کاری از امور مسلمانان شود و آن را ضایع کند، خداوند نیز او را ضایع نماید.^۳

از اطلاق روایت برداشت می‌شود که هر کاری که به انسان سپرده می‌شود باید آن را به نحو کامل انجام داده و ضایع نکند. از طرف دیگر می‌شود قانون‌های محکمی برای

۱. هنگامی که وعده پروردگرم (قیامت) فرارسید، آن را در هم می‌کوبد.

۲. «مَنْ بَنَىٰ فَاقْتَصَدَ فِي بِنَائِهِ لَمْ يُؤْجَرْ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۱۵۰)

۳. «مَنْ وَلىَّ شَيْئاً مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَضَيَعَهُمُ ضَيَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴: ۲۸۹)

ساخت‌وسازها وضع و راه‌های برون‌رفت از قانون را بر بسازوبفروش‌ها و مهندسان غیرمتعهد بست.

۲.۵. توجه به ساختن خانه‌های مقابل هم

در آیه‌ای خداوند درباره بنی‌اسرائیل می‌فرماید: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۸۷) کلمه «تَبَوَّءَا» مصدرش تبوی و به معنای مسکن گرفتن و منزل گزیدن است و قِبْلَةً به معنای آن حالتی است که باعث می‌شود دو چیز مقابل هم قرار گیرد. ما به موسی و برادرش وحی کردیم که شما برای قومتان خانه‌هایی در مصر بسازید تا در آن سکونت کنید. کانه تا آن موقع بنی‌اسرائیل زندگی شهری نداشتند، بلکه مانند صحرائشینیان در خیمه‌ها و مکان‌هایی نظیر خیمه زندگی می‌کردند و شما و قومتان خانه‌هایتان را روبه‌روی هم و در یک‌جهت قرار دهید تا دیواربه‌دیوار یکدیگر باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۳۷۲)

به دستور الهی در این مقطع، شیوه ساختمان‌سازی شهروندان به گونه‌ای بیان شده است که باید همه خانه‌ها روبه‌روی هم ساخته شوند تا به آسانی اطلاع‌رسانی کنند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۷: ۲۶۷) البته برخی از مفسران این فراز را به رو به قبله ساختن خانه‌ها معنی کرده‌اند. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱: ۱۰۷)

در هر صورت این دستور برای بنی‌اسرائیل فوایدی در برداشت؛ آن‌ها با ساختن مسکن در سرزمین مصر، علاقه بیشتری به دفاع از خود و آب‌و‌خاک خود پیدا می‌کردند؛ از زندگی طفیلی در خانه‌های قبطیان، به یک زندگی مستقل، منتقل می‌شدند؛ زیرا ایجاد و شکل‌گیری محله، موجب تقویت هویت اجتماعی است. اینکه خانه‌هایشان را مقابل یکدیگر و نزدیک هم بسازند کمک مؤثری به تمرکز و اجتماع بنی‌اسرائیل می‌کرد و آن‌ها می‌توانستند مسائل اجتماعی را به صورت عمومی مورد بررسی قرار دهند. همچنین به‌عنوان انجام مراسم مذهبی دورهم جمع شوند و برای آزادی خویش نقشه‌های لازم را طرح نمایند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۳۷۲)

بنابراین علاوه بر اینکه از مستندات فوق نتیجه می‌شود رهبران دینی طبق دستور الهی متوجه امور مادی و مسکن مردم بوده‌اند، توجه به کاربری و نظم شهر و محله نیز داشته‌اند که خانه‌های مقابل یکدیگر، از نظر تمرکز، حفاظت، نظارت، هویت و انس با





هم مناسب‌تر و طبق قاعده نظم نیز مقابل ساختن خانه‌ها، شهر را هماهنگ ساخته و مایه زیبایی، رونق و شکوه آن می‌شود.

۲.۶. عدم ایجاد مراکز فساد در شهر

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «همه شما به منزله حافظ و نگهبان یکدیگر هستید و همه شما نسبت به هم مسئولید». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۳۸) یعنی ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت مشترک میان افراد مسلمان برای حفظ و نگهداری جامعه اسلامی بر مبنای تعلیمات اسلامی. (مطهری، ۱۳۶۳، ج ۱۷: ۲۶۵)

از طرفی در سوره شعرا حضرت لوط در برابر افراد فاسد ایستاد تا جلوی گسترش فحشا را در شهر بگیرد، اما چون شهر در اختیار افراد فاسد بود، او را تهدید به اخراج کردند و گفتند: «قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ»^۲ و سپس دستور اجرای این تهدید را دادند و گفتند: «أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ»^۳.

اگر در جامعه فساد زیاد شد، پاکان منزوی شده و حتی پاک‌بودن، جرم محسوب می‌شود. بشر بر اثر هوی‌پرستی، خود محوری و دوری از وحی و شریعت، به جایی می‌رسد که همجنس‌گرایی را بر پایه تفکر اومانستی و هوی‌مدارانه خود، حق قانونی خود می‌پندارد و از آن در برابر وحی و شریعت دفاع می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ۳۹: ۱۵۱)

بنابراین حکومت اسلامی باید پاکی و تقوا را به‌گونه‌ای در جامعه نهادینه کند که افراد فاسد، یا نتوانند رشد کنند و یا اگر حضور یابند، آنان شهر را ترک کنند و نه پاکان؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: یکی از جریمه‌های افراد فاسد اخراج آن‌هاست: (أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ) (مائده: ۳۳) لذا طبق مستندات فوق و قاعده حفظ حرمت و کرامت انسانی (حقیقت‌پور، ۱۳۹۲: ۴۱) حاکم اسلامی باید از ایجاد مراکز فساد جلوگیری نماید و حتی مکان‌هایی برای رشد پاکی و تقوا ایجاد نماید.

۱. «كَلِمَةٌ رَاعٍ، وَ كَلِمَةٌ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ».

۲. ای لوط! اگر (از حرف‌هایت) دست برداری، قطعاً از شهر بیرون خواهی شد. (شعرا: ۱۶۷)

۳. «او و یارانش را از شهر بیرون کنید که آنان پاک‌دامنی را می‌طلبند». (اعراف: ۸۲)



در همین راستا باید در شهر نیز، از قرار دادن ابزار و بسترهای گناه و ایجاد مراکز فساد جلوگیری کرد. و نه تنها حفظ جان و مال و آبروی افراد به عهده حاکم می‌باشد، که بیش از همه حفظ دین مهم می‌باشد.

لازم به ذکر است، در تفکر اسلامی، انسان آزاد نیست که به هر جا می‌خواهد سفر کند و در هر سرزمین که برمی‌گزیند، رحل اقامت اندازد، بلکه باید در جایی اقامت گزیند که توان پاسداری از دستاوردهای دینی خویش را داشته باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۳۹: ۱۹۴)

۲.۷. سازگار با محیط

از جمله داستان‌هایی که قرآن بیان کرده است اینکه انسان‌ها توجه به سازگاری مسکن با محیط زندگی‌شان داشته‌اند. چنانچه گاهی از مواد اولیه سختی همچون سنگ برای خانه‌سازی استفاده می‌کردند با اینکه کمترین امکانات را برای سنگ‌تراشی و شکل دادن سنگ داشته‌اند. در این راستا به خانه‌سازی قوم ثمود در دل کوه‌ها می‌توان اشاره کرد.

آنجا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا ءَالَاءَ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾. (اعراف: ۷۴)

در «اطیب البیان» این‌طور آمده است:

سهول جمع سهل به معنی نرمی و صافی و زلال است یعنی زمین‌های سهله را برای عمارت و قصر اتخاذ نمودید ﴿وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا﴾ که کوه را می‌تراشیدید و در دل کوه خانه اتخاذ می‌کردید، مثل تونل‌هایی که امروز معمول است که زیر کوه را می‌تراشند و راه باز می‌کنند. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۶۷)

از این تعبیر چنین به نظر می‌رسد که آن‌ها محل زندگی خود را در تابستان و زمستان تغییر می‌دادند. در فصل بهار و تابستان در دشت‌های وسیع و پر برکت به زراعت و دامداری می‌پرداختند و به همین جهت خانه‌های مرفه و زیبایی در دشت داشتند و هنگام فرار رسیدن فصل سرما و تمام شدن برداشت محصول، به خانه‌های مستحکم‌تری که در دل صخره‌ها تراشیده بودند و در مناطق امن و امانی قرار داشت و از گزند طوفان و سیلاب و حوادث برکنار بود آسوده‌خاطر زندگی می‌کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۳۷)



به نظر می‌رسد امروزه نیز باید سازگاری با محیط در ساخت منازل و عمارت‌ها مورد توجه قرار گیرد؛ از جمله ساختمان‌سازی در مناطق مرطوب که در استفاده از مصالح، متفاوت از محیط‌های گرم و خشک است. ضمن اینکه ساختن خانه‌های محکم، ساخت مسکن در مناطق امن و در زمین‌های نرم و هموار، می‌تواند از مواردی باشد که مهندسان را به رعایت آن توجه می‌دهد.

۲.۸. توجه به نزدیکی محل کار با مسکن

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «از سعادت انسان آن است که محل کسب و کار او در شهر خودش باشد و نیازی به کوچ کردن نباشد»^۱.
و یا در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «سه چیز مایه خوشبختی است؛ همسر همراه، فرزندان نیکوکار و شعلی که در شهر فرد باشد و فرد پس از کار، نزد خانواده‌اش رفته و با آن‌ها خوش باشد»^۲.

از ظاهر این حدیث شریف استفاده می‌شود که نزدیکی محل کار به محل سکونت یک امتیاز است و می‌توان برکاتی برای آن در نظر گرفت. مانند صرفه‌جویی در وقت، صرفه‌جویی در هزینه رفت‌وآمد، کاهش ترافیک، هوای بهتر و سالم‌تر، کاهش خستگی که سبب کاهش کار و تولید می‌شود، انس بیشتر با خانواده، استمداد از اعضای خانواده در موارد نیاز، افزایش ساعات فراغت برای تفریح و استراحت و ورزش. (قرائتی، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۸)

۲.۹. پرهیز از اشراف

خانه محل آرامش و سکونت است و باید در تمام موارد ساخت به این گزینه توجه کرد.

از طرفی طبق آیه ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَبِالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَ...﴾. (نساء: ۳۳) و سفارش به

۱. «إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجِرُهُ فِي بَلَدِهِ». (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۵، ۲۵۷)

۲. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: ثَلَاثَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ الزَّوْجَةُ الْمُؤَاتِبَةُ وَالْأَوْلَادُ الْبَارُونَ وَالرَّجُلُ يُرْزَقُ مَعِيشَتَهُ بِبَلَدِهِ يَغْدُو إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ يَرُوحُ». (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۵، ۲۵۸)



نیکی همسایه‌ها وارد شده است و یکی از مصادیق نیکی عدم مزاحمت است. مراد از جار ذی‌القربی همسایه نزدیک است و مراد از جار‌الجنب، همسایه‌ای است که خانه‌اش دور باشد. (طباطبایی، بی‌تا، ج: ۸، ۱۹۵)

از پیغمبر ﷺ حدود همسایگی تا چهل ذراع و در جای دیگر تا چهل منزل روایت شده است.^۱ لذا مرز همسایگی در جامعه اسلامی، قلمرو یک محله را شامل می‌شود. یکی از مصادیق عدم مزاحمت و حفظ آرامش و امنیت آنان، حفظ از مشرف بودن خانه‌هاست. از آنجاکه گفته شده است، جلوی گناه را باید از سرچشمه گرفت و نگاه تیری از تیرهای شیطان است. (بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج: ۳۸، ۱۰۴) ساختمان‌ها نیز باید به گونه‌ای باشند که اشرف بر خانه مردم، بستری برای چشم‌چرانی نباشد. در روایات بسیاری با صراحت از اشرف بر همسایه و نگاه کردن به خانه مردم نهی شده است.

پیامبر ﷺ فرمود: «خانه هر کس حرم اوست.» (پاینده، ۱۳۸۳: ۳۳۱، ج: ۱۵۸۲) و نیز امام باقر ع فرمود: «هر کس به خانه و کاشانه مؤمنی سر بکشد، دیدگانش بر آن مؤمن در آن حال مباح است.»^۲

آنچه مهم است اینکه ارزش چشم از نظر حقوقی مساوی با ارزش یک انسان است؛ تا آنجا که اگر کسی دو چشم دیگری را نابینا کند، باید دیه کامل بدهد، اما اگر همین چشم با نگاه خائنانه به حریم افراد وارد شود و صاحب‌خانه به آن چشم ناپاک ضربه وارد کند، ضامن نیست.

امام خمینی رحمته‌الله علیه چنین فتوا داده‌اند:

دیدزدن به خانه مردم و نگاه به نامحرم گناه است و صاحب‌خانه حق دارد سنگ یا چیزی به سوی نگاه‌کننده پرتاب کند و ضمانی هم بر او نیست. حتی اگر به درون خانه‌های دور با ابزاری مثل دوربین قوی بنگرد، مثل آن است که از نزدیک نگاه کند. نگاه به درون خانه دیگران از طریق نصب آینه نیز همین حکم را دارد. (موسوی خمینی، ۱۴۳۰ق، ج: ۱، ۴۹۳)

۱. «الجوار اربعون داراً من اربعة جوانبها». (خصال، ج: ۲، ۵۴۴)

۲. «عن أبي جعفر عليه السلام قال: عورة المؤمن على المؤمن حرام و قال من اطع على مؤمن في منزله فعيناه مُباحَتان». (من لا يحضره الفقيه، ج: ۴، ۱۰۴)



در حدیثی آمده است: کسی که اشراف به خانه همسایه داشته باشد و به عورت مرد یا بدن و موی زن همسایه نگاه کند، حق است که خداوند او را با منافقین به دوزخ افکند و نمیرد تا اینکه به نحوی خداوند او را رسوا کند و عورت او برای مردم در آخرت آشکار گردد.^۱

بنابراین شهر اسلامی باید طوری طراحی شود که در رعایت احکام اسلام خصوصاً رعایت حیا و عفاف و حجاب در آن دقت شود. زیبایی خانه مسلمان به آن است که از چشم نامحرمان محفوظ باشد.

۲. ۱۰. حفظ حریم همسایه

از موارد دیگری که در ساخت مسکن باید مورد توجه قرار گیرد پیشامدگی‌های آن و تجاوز از حریم است. در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند حلال و حرامی نیافرید مگر آنکه برای آن حد و حدودی قرار داد مثل حدود خانه من. آنچه که از راه و خیابان است، برای همان راه است و آنچه از خانه است پس آن برای همان خانه محسوب می‌شود».^۲

همچنین فرمودند: «کسی که دیوار منزلش را به سمت راه مردم که متعلق به او نیست متمایل کرد پس بر اوست که آن را به جایگاهش برگرداند و چگونه اضافه می‌کند به خانه‌اش درحالی‌که از آن او نیست».^۳ امام علیه السلام از ساختمانی که دیوارش در راه مسلمین قرار گیرد به طور مطلق نهی کردند، که این روایات حاکی از توجه شرع به عدم تجاوز از حریم و امنیت آدمی در محل سکونتش است.

از موارد دیگر امنیت و آرامش، داشتن کوچه‌های کم رفت‌وآمد و به دور از شلوغی و صداست. (قرائتی، ۱۳۹۳: ۵۹-۵۸) در روایت آمده است: «کسی که بخواهد درب منزلش

۱. «وَمَنْ أَطَّلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ... وَلَا يُخْرَجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَيُبْدِيَ عَوْرَتَهُ لِلنَّاسِ فِي الْآخِرَةِ». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳: ۳۶۱)

۲. «مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَلَا حَرَامًا إِلَّا وَ لَهُ حُدُودٌ كَحُدُودِ دَارِي. هَذِهِ مَا كَانَ مِنَ الطَّرِيقِ فَهُوَ مِنَ الطَّرِيقِ وَمَا كَانَ مِنَ الدَّارِ فَهُوَ مِنَ الدَّارِ». (کلبینی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۱۷۵)

۳. «مَنْ أَخْرَجَ جِدَارَ دَارِهِ إِلَى طَرِيقٍ لَيْسَ لَهُ فَإِنَّ عَلَيْهِ رَدَّهُ إِلَى مَوْضِعِهِ وَ كَيْفَ يَزِيدُ إِلَى دَارِهِ مَا لَيْسَ لَهُ». (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۷، ح ۱۷۴۰)



را از جایگاه خودش تغییر دهد و یا دربی غیر آن در خیابان وسیع باز کند، این برایش جایز است، مگر اینکه روشن شود که در این کار ضرری آشکار در بین است و اگر در کوچه باریک باشد نمی‌تواند درب باز کند و نمی‌تواند دریش را هم به کوچه باریک انتقال دهد مگر با رضایت اهل آن کوچه»^۱.

بر این اساس از مصادیق امنیت همسایگان این است که در طراحی ساختمان، ارتفاع، پیش‌آمدگی ساختمان و از طرفی نداشتن روزنه و شبکه به خانه‌های اطراف وعدم پیشروی ساختمان به داخل کوچه و خیابان رعایت شود و به‌طور کلی هر آنچه امنیت و آرامش ساکنین هر محله را به خطر می‌اندازد، باید مورد توجه قرار گیرد.

۱۱.۲. منع تبدیل باغ به مسکن

در روایات می‌خوانیم درختان را برای ساخت‌وساز قطع نکنید، مگر آنکه در مقابل قطع درخت، درختی را غرس کنید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «درختان را قطع نکنید، زیرا خداوند بر شما عذاب می‌فرستد»^۲.
درباره قطع درخت نیز از آن بزرگوار چنین آمده است: «هر کس [بی‌جهت] درخت سدری را قطع کند خدا سرش را در آتش فرومی‌برد»^۳.

همچنین از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است: «از عوامل افزایش عمر، رها کردن آزار دیگران، احترام به پیران، صلہ رحم و اینکه از بریدن درخت سبز پرهیز شود، مگر برای ضرورت» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۵، ۲۶۴) همچنین حفظ درخت برای مناطق کم‌درخت و بیابانی راه، سودمندتر معرفی کرده‌اند، از امام رضا علیه السلام نیز نقل است که قطع درخت (در صورت نیاز) با تبدیل و جایگزینی، مانعی ندارد و فرمودند: «امام کاظم علیه السلام درخت سدری را قطع کرد و درخت انگوری به جای آن کاشت» (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۵، ۲۶۴-۲۶۳)

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحَوِّلَ بَابَ دَارِهِ عَنْ مَوْضِعِهِ أَوْ يَفْتَحَ مَعَهُ بَاباً غَيْرَهُ فِي شَارِعِ مَسْلُوكٍ نَافِذٍ فَذَلِكَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَتَبَيَّنَ أَنَّ فِي ذَلِكَ ضَرراً بَيِّناً وَإِنْ كَانَ فِي رَأْيَةِ سِكِّهِ غَيْرِ نَافِذَةٍ لَمْ يَفْتَحْ فِيهَا بَاباً وَلَمْ يَنْقُلْهُ عَنْ مَكَانِهِ إِلَّا بِرِضَى أَهْلِ الرَّأْيَةِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج: ۲، ۵۰۵، ح: ۱۸۱۰)

۲. «لَا تَقْطَعُوا النَّمَارَ فَيَبْعَثَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبّاً» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج: ۵، ۲۶۴)

۳. «مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً صَوَّبَ اللَّهُ رَأْسَهُ فِي النَّارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۶۳، ۱۱۳)



ظواهر این روایات منع است، در مقابل عملی که مورد منع قرار گرفته است هر چند به صورت کراهت، انجام آن قطعاً مفسده خواهد داشت، که امروزه این امر به خوبی دریافت می‌شود که قطع درختان چه بسا ریز گردهای در فضا را تصفیه نمی‌کند و باعث آلودگی هوا می‌گردد. چنانچه امروز در شهرهای بزرگ شاهد هوای آلوده هستیم و بسیار دیده شده که باغ‌های در شهرها را خشک کرده و به فضای تجاری و یا مسکونی تبدیل کرده‌اند. لذا بر مدیران شهری است که در صدور مجوزها دقت کافی را مبذول داشته و به جهت کسب درآمد شهرداری جهت مواردی که شارع مقدس منع فرموده، از دادن مجوز خودداری کنند.

۱۲.۲. مذمت مسکن خالی

از نظر اسلام، احتکار و خالی نگه داشتن مسکن بسیار مذموم است؛ به‌ویژه امروزه که افراد بسیاری از جامعه مشکل مسکن دارند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «کس که برای او خانه‌ای است و مؤمنی به سکناى در آن نیاز دارد و او از سکناى در خانه‌اش منع کند، خداوند عز و جل می‌فرماید: ملائکه من، بنده‌ام بر بنده دیگر من به سکونت در خانه‌اش بخل ورزید. قسم به عزتم هرگز او را در بهشتم جای نخواهم داد»^۱.

این حدیث شریف به ما یادآوری می‌کند که مدیران و طراحان شهری، در مقابل دیدن پنت‌هاوس‌ها و تجملات، باید دقت کنند، همان خانه‌هایی که ما در شهرهای بزرگ، واردش را زیاد می‌بینیم، برج‌های آن‌چنانی با طبقاتی همیشه خالی که نشان‌دهنده بی‌نیازی صاحبان آن‌ها و البته مورد نیاز میلیون‌ها خانواده و زوج‌های جوان است؛ که این خود سبب گسترش شهر بدون دلیل موجه خواهد بود.

۱. «مَنْ كَانَ لَهُ دَارٌ وَ احْتِجَّ مُؤْمِنٌ اِلَى سَكْنَاهَا فَمَنَعَهُ اِيَّاهَا قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَلَأْنِي عِبْدِي بِخَلِّ عَلِيٍّ عِبْدِي بِسُكْنِي الدُّنْيَا وَ عِزِّي لَأَ يَسْكُنُ جَنَابِي اَبَدًا». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۳۸۹)

۱۳.۲. تجدیدبنای خانه‌های مخروبه

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «سه گروه هستند که خداوند جوابشان را نمی‌دهد، یکی از آن‌ها کسی است که در خانه خراب زندگی کند»^۱.

با توجه به مشکلات معیشتی مردم، باید مدیران شهری جهت تجدید بنای منازل مخروبه تسهیلاتی را فراهم کرده تا شهروندان بتوانند منازل خود را مرمت کنند. در این صورت ضمن ایجاد امنیت برای ساکنین خانه، چهره شهر هم از فقرزدگی خارج خواهد شد.

۱۴.۲. حکم اولی و ثانوی طبقات متعدد

یکی از مناظر نازیبا ناهماهنگی در طبقات ساختمان‌هاست. اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا ساختمان با طبقات متعدد جایز است؟ فروش تراکم چطور؟ در قرآن کریم آیه‌ای که دلالت بر جواز یا عدم جواز ساختمان‌های مرتفع باشد، وجود ندارد، اما جعفر مرتضی عاملی (عاملی، ۱۳۸۸: مقدمه) معتقد است وصفی که قرآن کریم برای خانه و باغ و بستان‌های بهشت ذکر کرده است، بهترین نمونه و تمثیل برای مسکن و باغ و بستان‌های این دنیایی است. لذا مانعی وجود ندارد که در ساختمان‌های مرتفع نیز مراجعه به قرآن کریم داشته باشیم که در بهشت بنایی با طبقات متعدد وجود دارد یا خیر؟

قرآن کریم در توصیف مسکن بهشتیان در قرآن می‌فرماید:

﴿لِكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾. (زمر: ۲۰)

﴿وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ آمِنُونَ﴾. (سبأ: ۳۷) الْغُرْفَةُ؛ بالای از بنا را غرفه می‌گویند. مقصود از «غرف» در اینجا نیز طبقه‌های فوقانی ساختمان است که روی هم ساخته می‌شود و مکان مرتفعی است که بر اطراف اشرف داشته باشد. (راغب اصفهانی، بی تا: ۶۰۵)

این غرفه‌های زیبای بهشتی با نهرهایی که از زیر آن جاری می‌شود، تزیین شده است، لذا در دنباله آیه می‌فرماید: ﴿تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾، از زیر آن‌ها نهرها پیوسته جریان دارد، زیرا دیدن منظره گل‌ها و آب و نهرها و باغ‌ها از فراز غرفه‌ها لذت‌بخش تر و

۱. «فَلَا تَلَاةَ لَآ يُجِيبُهُمْ رَبُّكَ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا نَزَلَ بَيْنَا خَرَابًا». (پابنده، ۱۳۲۴: ۲۴۹، ح ۱۲۲۵)





دل‌پذیرتر است. بر اساس معنای لغوی غرفه، ساختمان‌هایی با طبقات متعدد در بهشت وجود دارد.

از طرفی بنا بر برخی روایات، در زمان امام علی علیه السلام ساختمان‌هایی با طبقات متعدد وجود داشته است، چنانچه از روایت ذیل این مطلب به دست می‌آید:

امیرمؤمنان علیه السلام به پزشک یونانی فرمود: «پس تصور می‌کنی که من موقع برداشتن بار سنگین مراقب خودمم تا مبادا ساق پاهایم خمیده شوند؟!... پس حضرت با دو دستش بر استوانه چوبی بزرگی زد که بر آن استوانه، بام اتاقی که در آن نشسته بود قرار داشت بر بالای آن دو اتاق که در دوطبقه قرار داشت...»^۱ جمله «فَوْقَهُ حُجْرَتَانِ إِحْدَاهُمَا فَوْقَ الْأُخْرَى»، حاکی از وجود ساختمان دو طبقه در زمان حضرت بوده است.

اما باید اضافه کرد بناء با طبقات متعدد به شرطی جایز است که صاحب آن، حقوق همسایگان را رعایت کند، چنانچه نباید ارتفاع بناها در سطحی باشد که هوا را از همسایگان بازدارد. روایت شده است: «به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد یا رسول الله، حق همسایه بر همسایه چیست؟ حضرت فرمودند: از کمترین حقوقش این است که... و بنایت را از بنای او بلندتر نداری که با بلندی آن موجب آزار او را فراهم کنی و باد را از او بازداری»^۲. و یا در روایتی دیگر آمده است: «... بنا را بر او بلند نداری تا باد را از او بازداری مگر با اجازه او»^۳. (الکتانی، ۲۰۱۴م، ج ۲: ۸۰) زیرا هوا و باد از اهمیت خاصی در زندگی آدمی و محیط اطراف او دارد که در برخی روایات بدین موضوع اشاره شده است.

روایت مفضل از امام صادق علیه السلام اهمیت باد را گویاتر و گسترده‌تر بیان می‌دارد، آنجا که حضرت علیه السلام می‌فرماید:

ای مفضل! تو را از منافعی آگاه می‌گردانم که باد و آنچه در آن است، در پی دارد. آیا نمی‌بینی که اگر باد چند گاهی نوزد، چگونه اندوهی می‌آفریند که جان‌ها را در برمی‌گیرد و تندرستان را بیمار، بیماران را بی‌رمق، میوه‌ها را فاسد و گیاهان را

۱. «سَأَلْتُهُ فَإِنَّكَ زَعَمْتَ أَنِّي أَحْتَاجُ إِلَى أَنْ أَرْفُقَ بِنَدْنِي فِي حَمْلٍ مَا أُحْمِلُ عَلَيْهِ لِنَلَّا نَنْقَصِفَ السَّاقَانَ... ضَرَبَ بِنَدْنِي إِلَى أَسْطُوَانَةٍ خَشَبٍ عَظِيمَةٍ وَعَلَى رَأْسِهَا سَطْحٌ مَجْلِسِهِ الَّذِي هُوَ فِيهِ وَفَوْقَهُ حُجْرَتَانِ إِحْدَاهُمَا فَوْقَ الْأُخْرَى». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ح ۷۱)

۲. «فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا حَقُّ الْجَارِ عَلَى الْجَارِ فَقَالَ مِنْ أَدْنَى حَقُّوقِهِ عَلَيْهِ... وَ لَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ بِنَاءٌ سَكَنَهُ فَيُؤْذِيهِ بِإِشْرَافِهِ عَلَيْهِ وَ سَدَّهُ مَنَافِذَ الرِّيحِ عَنْهُ...». (الکتانی، ۲۰۱۴م، ج ۲: ۸۰)

گندیده می‌کند و در پیکرها بیماری و در غلات، آفت می‌آفریند. (مفضل بن عمر، ۱۳۷۳: ۱۰۲)

لذا باید در ساخت و توسعه شهرها به جهت‌های وزش باد و شدت و تواتر آن در ایام مختلف توجه نمود. ضمن آنکه نحوه استقرار و جهت‌گیری ابنیه و تنظیم ارتفاع عمارت و مکان‌یابی ساختمان‌های کوتاه و مرتفع در نقاط مختلف هر شهر، مواردی هستند که در رابطه با مختصات باد باید مورد ارزیابی جدی قرار گیرند. (نقی‌زاده، ۱۳۷۹، ج ۲۲: ۲۲)

لحاظ نمودن این امور مستلزم تدوین مقررات و ضوابطی در معماری منازل و رابطه فضایی آن‌ها با بناهای هم‌جوار اعم از مسکونی و غیرمسکونی و فضا‌های باز شهری از جمله معابر و میدان است.

البته برخی برای نهدی از بلندمرتبه‌سازی به روایاتی مانند: «خداوند عزوجلّ برای هر بنایی ملکی را موکل می‌کند، برای کسی که سقفی را بیشتر از هشت ذراع بنا کند می‌گوید: ای فاسق کجا می‌روی؟^۱ استناد کرده‌اند، ولی برخی مفسران این روایات را برای بیان ارتفاع سقف تا کف هر واحدی بیان می‌دارند. (قرائتی، ۱۳۹۳: ۶۲)

و روایاتی را که سکونت اجنه را در ارتفاع بیشتر از هفت یا هشت ذراع بیان داشته‌اند، مانند روایتی که امام صادق علیه السلام فرمودند: «آنچه از سقف بیش از هشت ذراع بالا رود در آن اجنه سکونت می‌کنند».^۲ و یا فرمودند: «سقف خانه هفت یا هشت ذراع باشد بیشتر از آن جایگاهی برای حضور شیاطین است.»^۳ می‌توان با روایات دیگری که راهکاری را برای رفع آثار منفی این فرونی ارتفاع ارائه داده است، استفاده و اطلاق روایت را از این جهت که چه آیه الکرسی نصب کند و چه نکند، محضر شیطان معرفی می‌کند، با روایات ذیل مقید کرد.

۱. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكُلَّ مَلَكًا بِالْبِنَاءِ يَقُولُ لِمَنْ رَفَعَ سَقْفًا فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ أَيْنَ تُرِيدُ يَا فَاسِقُ». (حرعاملی، بی تا، ج ۵: ۳۱۰)

۲. «عَنِ الصَّادِقِينَ عليهم السلام : قَالَ مَا رَفِعَ مِنَ السَّقْفِ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ فَهُوَ مَسْكُونٌ» (البرقی، ۱۳۷۱، ۶۰۸/۲)

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ أَوْ ثَمَانُ أَذْرُعٍ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ فَمَحْضَرٌ لِلشَّيَاطِينِ». (طبرسی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)





از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «میان هشت تا ده گز، آیه الکرسی را گرداگرد، کتابت کن.» و در روایت دیگر فرمودند: «انسان بنایی بیشتر از هشت ذراع^۱ برای بنا، نمی کند مگر اینکه شیطان در بیشتر از آن مقدار مأوا می گیرد و در این صورت واجب است که در آنجا آیه الکرسی را کتابت کند تا شیطان مأوا نکند»^۲.

لذا به نظر می رسد بر اساس روایات و قاعده گفته شده اگر امنیت همسایگان رعایت و مصلحت اجتماعی، اقتضای بلندمرتبه سازی داشته باشد، در این صورت بلندمرتبه سازی با رعایت خط افق و حفظ زیبایی شهر بی اشکال است، ولی در صورت به خطر افتادن سلامت جمع و از بین رفتن مصلحت جمعی باید تدابیر دیگری در رفع احتیاج مردم به مسکن با رشد جمعیت اندیشید.

البته ضمن بیان نکات مثبت شهر عمودی از جمله، توجیه اقتصادی در تأمین زیرساخت ها و تجهیزات شهری، حفظ اراضی کشاورزی، افزایش تولید مسکن و کسب درآمد برای شهرداری، ولی در مقابل نکات منفی این امر را باید جدی تر دیده و بیان کرد. از آن جمله می توان برهم زدن نظام تراکم جمعیتی شهر، برهم زدن سازمان فضایی و استخوان بندی شهر، نابودی باغ ها و تخریب فضاهای سبز به عنوان منابع تنفسی شهر در نتیجه بورس بازی و سوداگری زمین و مسکن و نیز تشدید معضلات اجتماعی و بروز مسائل فرهنگی ساکنان محلات و واحدهای همسایه را برشمرد. (محقق داماد، cgie.org.ir تاریخ انتشار ۱۳۹۳/۰۳/۱۲)

لازم به ذکر است، امروزه به دلیل جمعیت های متراکم و کمبود زمین - به خصوص در بعضی مناطق - و نیازهای مالی و نیازهای زندگی ماشینی به خدمات گوناگون، انسان ها مجبور به زندگی در آپارتمان شده اند. اگر مسئولان شهرسازی و طراحان و مهندسان مسکن به اصول دینی توجه نمایند، می توان در عین ساخت خانه های چندطبقه، از آفت ها و آسیب های گفته شده و نیز آسیب های فرهنگی و اجتماعی آن جلوگیری نمود. البته از آنجا که فروش بی رویه تراکم، ضررهای جدی را برای شهر و شهروندان ایجاد

۱. ذراع: تقریباً نیم متر است و طول آن از مرفق تا نوک انگشت وسط است.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا مِنْ إِنْسَانٍ يَبْنِي فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أذْرَعٍ إِلَّا وَ يَأْوِي الشَّيْطَانُ فِيمَا فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أذْرَعٍ وَ الْوَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ لَهُ فِيهِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ حَتَّى لَا يَأْوِيَ فِيهِ الشَّيْطَانُ». (طبرسی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)

می‌کند، طبق قاعده لا ضرر، از فروش تراکم جلوگیری کرده و از ابتدا ارتفاع ساختمان‌های هر محله را مشخص نمایند.

۱۵.۲. حکم حاکم در جواز تصرف

تسلط مردم بر اموالشان و حرمت تصرف در اموال آن‌ها، امری مسلم در شریعت اسلامی است، ولی مواردی همچون ساختن خیابان‌های کشور اسلامی بر تصرف زمین‌ها و املاک مردم متوقف است. در این‌گونه موارد وظیفه چیست؟ طبق آنچه در مبحث کارکرد ولایت در شهرسازی اسلامی بیان می‌شود، چنانچه مالکان این زمین‌ها با رضایت خاطر آمادگی واگذاری آن را داشته باشند مشکلی نخواهد بود و آلا حاکم اسلامی طبق قاعده اصولی می‌تواند موضوع اهم را در نظر گرفته و آن را بر مهم مقدم بدارد (مظفر، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۹۹) و به جواز تصرف در ملک دیگری بدون اذن او حکم کند. حداکثر این است که حکومت اسلامی ضامن قیمت روز زمین خواهد بود و باید به مالک آن پرداخت شود. (جمعی از مؤلفان، بی‌تا، ش ۴۳: ۱۰۶)

نتیجه‌گیری

اسلام علاوه بر اهتمام به زندگی فردی از تهذیب نفس و تعدیل رفتار، بر زندگی اجتماعی انسان نیز توجه کامل مبذول داشته و محیط زندگی او را از این توجه بی‌نصیب نگذارده است. تعالیم اسلامی نمی‌تواند نسبت به رابطه انسان و محیط و نسبت به فضاهای فعالیت‌های فردی و اجتماعی بی‌تفاوت بماند.

طبق این تحقیق مشخص گردید شهرسازی را می‌توان بر اساس فقه شیعی رقم زد و نوعی از شهرسازی بر پایه احکام اسلامی داشت. لذا با عملی شدن این پژوهش آنچه صورت می‌پذیرد مناسب‌سازی محصولات کاربری نظام شهرسازی و تسهیل و کارآمدی کاربری‌ها با توجه به احکام اسلامی است. چنانچه با رعایت مکان مناسب جهت مسکن سازی و با رعایت سازگاری با محیط و آب هوا و خاک و همچنین نزدیکی مسکن با محل سکونت، می‌توان مکان‌یابی مناسبی جهت ساخت مسکن داشت. از طرفی نظارت بر ساخت‌وساز و دقت در مقاوم‌سازی منازل، سبب افزایش عملکرد و توجه به طبقات و عدم مجوز در ایجاد مراکز فساد و دقت در امنیت و آرامش و حریم همسایگان





و رعایت زیباسازی ظاهری باعث ارتقای معنایی و توجه به مسکن‌سازی‌های منظم و روبه‌روی هم و نیز توجه به وسعت منزل و ممنوعیت تبدیل باغ‌ها به مسکن و پرهیز از احتکار منازل و بازسازی خانه‌های مخروبه سبب افزایش کارایی کاربری‌ها خواهد شد. بر این اساس الزامات نظام برنامه‌ریزی و طراحی کاربری‌ها در شهرسازی می‌تواند تابع احکام و قواعد فقهی باشد. ضمن اینکه بر این اساس سطح تعاملات اجتماعی که ناشی از باورهای دینی شهروندان است، ارتقایی‌یابد. لذا با این پژوهش برای معماران و متخصصان حوزه شهری معیار تولید کرده و در صورت عملی شدن، شمول اثر آن به تمامی مردم، فارق از هر دین و مذهبی خواهد رسید.

منابع و مأخذ:

- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵)، *دعائم الإسلام*، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
- احسائی (ابن‌جمهور)، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *عوالی الآلئی*، قم: سیدالشهداء علیهم‌السلام.
- اخوت، هانیه، الماسی‌فر، نینا و محمد رضا بمانیان (۱۳۸۹)، *معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی*، تهران: هله طحان.
- انصاری، مرتضی (بی‌تا)، *فرائد الاصول*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، *المحاسن*، ج ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، *نهج‌النصاحه*، کلمات قصار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همراه با ترجمه فارسی و نمایه موضوعی، به اهتمام غلامحسین مجیدی خوانساری، قم: انصاریان.

- جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (بالعربیة)، ج ۵۲، ج ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵)، تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، ج ۱، تهران: انتشارات میقات.
- حسینی شیرازی، محمد (ق ۱۴۲۳)، تبیین القرآن، ج ۲، بیروت: دارالعلوم.
- حقیقت پور، حسین و همکاران (۱۳۹۲)، کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی، ج ۱، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، ج ۱، قم: مؤسسه فرهنگی انتشارات ائمه علیهم السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دارالعلم / الدار الشامیة.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۴)، درس خارج فقه، قواعد فقهیة.
- صدر، محمد باقر (۱۴۱۲ق)، دروس فی علم الاصول، تهران: مجمع الفکر الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دارالفکر.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۰)، مکارم الاخلاق، ترجمه لطیف راشدی، قم: صبح پیروزی.
- _____ (۱۳۹۵)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه حسین خداپرست، تهران: کتاب عقیق.
- _____ (۱۳۷۷)، جوامع الجامع، ترجمه جمعی از نویسندگان، ج ۲، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.





- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۲ق)، *تاریخ الرسل و الملوک* (تاریخ طبری)، ج ۱۱، [بی جا]، [بی نا].
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۸)، *شهر اسلامی*، مشهد: سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری مشهد.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۹)، *شهر اسلامی، نشانه‌ها و شناسه‌ها*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، بوستان کتاب.
- فیاض، محمد اسحاق (۱۴۱۹ق)، *محاضرات فی اصول الفقه* (تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم خوئی)، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- _____ (۱۳۹۳)، *سیمای مسکن و شهر اسلامی*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- الکتانی، محمد عبدالحی (۲۰۱۴م)، *نظام الحکومه النبویه المسمی الترتیب الإداریه*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- متقی هندی، علاءالدین (۱۴۱۳ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: موسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الأعلمی، موسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، *حماسه حسینی*، ج ۱، ج ۹۳، تهران: صدرا.
- المظفر، محمد رضا (۱۳۷۲)، *اصول الفقه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مفضل بن عمر (۱۳۷۳)، *توحید مفضل* (شگفتی‌های آفرینش از زبان امام صادق علیه السلام)، ترجمه و نگارش: نجفعلی میرزایی، قم: هجرت.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری (۱۳۸۷)، منیه الطالب (تقریرات درس آیت الله نایینی)، قم: ارغوان دانش.
- منصور، جهانگیر (۱۳۷۹)، قوانین و مقررات مربوط به شهر و شهرداری، تهران: دیدار.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۵ق)، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- منتظری، حسین علی (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الاسلامیه، ج ۲، قم، نشر تفکر.
- نقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، صفات شهر اسلامی از نگاه قرآن کریم، مجله صحیفه مبین، ش ۲۲.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- یکانی فرد، سید احمد رضا (۱۳۸۲)، تبیین و ارائه الگوی مناسب (بهینه) کاربری اراضی شهری در ایران، مطالعه موردی، شهر قزوین، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، قزوین، دانشگاه تربیت مدرس.
- محقق داماد، دکتر سید مصطفی (۱۳۹۳)، فقه محیط زیست - سایت cgie.org.ir



